

## اندیشکده معنویت

موضوع: تبیین چیستی معنویت

سخنران: آقای شاکر نژاد؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی

تاریخ ارائه: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما درباره مفهوم شناسی معنویت و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن است اما برای اینکه بحث حاضر مثمرتر واقع بشود و منجر به فعالیتی پژوهشی شود، آن را در قالب یک طرح نامه تحقیقاتی و یا به عبارتی دیگر بیان حوزه‌های بایسته پژوهش در این عرصه و نحوه پرداختن به آنها را ارائه می‌کنم. ابتدا اهمیت مفهوم شناسی در بحث معنویت را عرض می‌کنم خدمت اساتید بزرگوار. همان‌جوری که اساتید مستحضرنند اگر هر بحثی را در باب معنویت اسلامی آغاز کنیم بدون این‌که به معنا و مؤلفه‌های مفهوم معنویت توجه کنیم بحث ما بحث بی‌ثمری خواهد بود. نکته مهم این‌که بحث معنویت به عبارتی مفهوم معنویت یک مفهوم مبهمی هست. این مفهوم دلالت‌های جا افتاده و شفافی ندارد. خوب این ابهام در مفهوم واژه می‌تواند سبب سوء استفاده‌های نابجایی از این بحث بشود و البته یک فرصتی را هم ایجاد می‌کند که با به دست گرفتن قدرت تسمیه در باب معنویت آن مفاهیم و دلالت‌های ضمنی که بایسته و شایسته هست و از سنت اسلامی ما برمی‌آید، آن‌ها را در این مفهوم و در پس این واژه بگنجانیم، توضیح می‌دهم. ابتدا عوامل ابهام‌زا در مفهوم معنویت و بعد از آن اهداف طرح را مطرح می‌کنم. مفروضات طرح و بعد حوزه‌های بحث که شامل چهار حوزه مهم می‌شود و هر کدام از این حوزه‌ها را به اجمال توضیح می‌دهم.

واژه معنویت واژه جدیدی است و به دلیل اینکه در سنت ما استفاده چندانی از این واژه حتی واژه معنوی نشده، دلالت‌های جا افتاده‌ای برای این واژه وجود ندارد. البته واژه معنویت به این دلیل که معادل واژه اسپیریچوالیتی غربی قرار گرفته، بر ابهام آن افزوده شده است. به این دلیل که واژه اسپیریچوالیتی در فرهنگ غرب فوق‌العاده واژه مبهمی هست و در طول تاریخ مفهوم سازی‌های متعددی از این واژه شده است ازین رو ابهام واژه اسپیریچوالیتی بر واژه معنویت هم کم و بیش بار شده است. البته جالب است که بدانید که واژه اسپیریچوالیتی در ادوار مختلف فرهنگ غرب معانی مختلف و حتی متضاد داشته که تاریخچه این واژه فوق‌العاده جالب است و نشان می‌دهد که گویا یک جوهره ثابتی در پس واژه اسپیریچوالیتی وجود نداشته است. عوامل دیگری که باعث ابهام واژه معنویت شده، تصاحب این واژه در روانشناسی انسان‌گرا و فرا شخصی هست. البته در جریان‌های عصر جدید و به عبارتی نظام سرمایه‌داری که هر کدام از این‌ها جای بحث دارد، می‌شود توضیحاتی در باب این‌که هر کدام از این

جریان‌ها چه دلالت‌هایی را بر این واژه بار کردند، ارائه نمود. شاید یکی از دلایل این ابهام این باشد که هم واژه اسپیریچوالیتی در فرهنگ غرب و هم واژه معنویت که این دو تا حدودی معادل هم فرض شده‌اند، قابلیت زیادی برای حمل دلالت‌ها سکولار دارد. (خصوصاً واژه فارسی معنویت که به دلیل ارتباط لفظی آن با معنا به جای خدا استقبال بیشتری از معانی سکولار می‌کند). در فضای کنونی هم یکی از دلایل ابهام‌زا برای واژه معنویت این است که در کنار جریان‌هایی که دغدغه معنویت اسلامی داشتند، جریان‌های روشن‌فکری و جریان‌های سکولار هم از این واژه استفاده کردند و خوب می‌دانید که یکی از پروژه‌های مطرح در این زمینه پروژه عقلانیت و معنویت است. آنچه در باب اهداف اصلی و فرعی طرح قابل ذکر می‌باشد، این است که، این طرح براساس این هدف نوشته شده که مؤلفه‌های اسلامی بحث معنویت تعیین بشود و البته واژه مناسب و قابل دفاعی برای این موضوع تحقیق انتخاب بشود. شاید یکی از بحث‌های اصلی این باشد که آیا خود این واژه را بپذیریم یا نپذیریم و آیا این واژه آن دلالت‌هایی که ما نیاز داریم و آن دلالت‌هایی که ما تشخیص می‌دهیم از معنای معنویت را می‌تواند در خود داشته باشد یا خیر. اهداف فرعی طرح هم این خواهد بود که واژه معنویت و مفهوم آن در فرهنگ غرب نقد و بررسی می‌شود و وجوه افتراق و اشتراک آن با معنویت اسلامی معین می‌شود و کنار آن مؤلفه‌ها و مبانی هر دو نیز استخراج می‌گردد. مهم‌تر از همه این که شاید کار این مرکز و رسالت آن هم همین باشد که با انجام این تحقیق به شکل متقن و دقیق بتواند جریان‌های نوپایی که در معنویت و یا معنویت‌پژوهی مشغول به کار هستند (در زمینه ترویج معنویت اسلامی یا نقد معنوی غربی) را تغذیه کرد و با این کار متقن به عبارتی چارچوب بحث معنویت و تعریف کاربردی آن را در حوزه‌هایی چون روان‌شناسی، در حوزه پرستاری، در حوزه مدیریت و حوزه‌های دیگر مشخص سازد.

در باب مفروضات طرح باید گفت که اولین فرض این است که واژه معنویت یک واژه مبهمی است و نیازمند آن است که مؤلفه‌هایش تشخیص داده بشود و دلالت‌های پیدا و پنهانش شناسایی بشود. فرض دوم این است که جریان‌های مختلف اعم از جریان‌های پژوهشی مختلف و جریان‌های ترویجی متعدد در صدد مفهوم تراشی برای واژه هستند. هم برای واژه اسپیریچوالیتی و هم واژه فارسی معنویت. فرض بعدی این است که به دلیل ویژگی‌های لفظی این واژه، منظورم واژه فارسی معنویت است و ارتباط آن با معنایابی به جای ارتباطش با توحید و عبودیت و همچنین نبود ریشه‌های موثق دینی برای این واژه، جریان‌های سکولار در صدد بارساختن دلالت‌های اسپیریچوالیتی غربی برای این واژه هستند. نکته بعدی این است که اگر بشود با کاری دقیق مؤلفه‌های بحث معنویت اسلامی را استخراج کرد و واژه‌ای برای این بحث انتخاب کرد که بتواند به بهترین نحو گویای آن مؤلفه‌ها باشد، ابتکار عمل در دست مجموعه قرار می‌گیرد و این جریان نوپای معنویت‌پژوهی یک مبنای موثقی در تعریف معنویت پیدا می‌کند.

**مراحل اجرایی بحث:** مراحل اجرایی را در چهار بخش خدمت اساتید ارائه می‌کنم. بخش اول این طرح به مبانی نظری بحث می‌پردازد. در بخش دوم تاریخچه واژه معنویت در غرب و سنت اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش سوم به مفهوم شناسی واژه معنویت در عصر حاضر و گفتمان انقلاب اسلامی و پست مدرن و بخش چهارم هم به کاوش‌هایی در باب انتخاب واژه درست برای این مفهوم و احصاء مؤلفه های آن بر اساس مبانی اسلامی توجه می‌کند.

بحث دیگری در مبانی نظری این بحث اعم مسأله، هدف و ضرورت تحقیق مطرح می‌شود و بحث مهم دیگر پرداختن به پیشینه تحقیق در این خصوص هست که تحقیقات متعددی در باب مفهوم اسپیریچوالیتی در غرب انجام شده که می‌شود آن‌ها را بررسی و ارزیابی کرد. هرچند که در سنت خودمان و در باب واژه فارسی معنویت، تحقیق مستقلی انجام نشده است. این تحقیقات را می‌شود، با شناسایی و معرفی اشخاص و جریان‌هایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، احصاء و با استفاده از تعاریفی که از جانب آن‌ها ارائه شده، انجام داد. بحث مهم دیگر در مقدمه کار، انتخاب روش درست و متناسب برای بحث است. به طور طبیعی ما در این بحث هم حوزه‌های توصیفی-تحلیلی خواهیم داشت و هم حوزه‌هایی که مربوط به تفسیر متون است که روش شناسی هر کدام از آن‌ها بایستی به طور دقیق معین بشود.

بخش دوم کار تاریخچه معنویت است و دو زیرمجموعه مهم دارد یکی این که تاریخچه واژه اسپیریچوالیتی در غرب بررسی بشود و ارتباط مفهومی آن با واژه‌های مشابه در همان فرهنگ معین بشود و بخش دوم تاریخچه واژه معنویت در سنت اسلامی و مفهوم‌های مشابه و واژگانی که برای آن مفهوم‌های مشابه استفاده می‌شود، را توضیح می‌دهم. در مورد بخش اول این طرح که تاریخچه واژه اسپیریچوالیتی در غرب و ارتباط مفهومی آن با واژگان مشابه هست، ابتدا مفهوم اسپیریچوالیتی بر اساس ادوار تاریخ اروپا طرح می‌شود که این واژه در صدر مسیحیت چه معنا می‌داد و چه دلالت‌های پیدا و پنهانی داشت. در قرون وسطی چگونه بود و در دوره مدرنیته به چه شکل این واژه تعریف شده است. در هر کدام از این ادوار، نوع مفهوم‌سازی جریان‌های مختلفی که به مفهوم‌سازی معنویت پرداخته‌اند، طرح می‌شود و در بخش بعدی ارتباط واژه اسپیریچوالیتی با مفاهیم مرتبط با آن طرح می‌شود. مثلاً مفهوم میستیسسیم، اسوتریزم، موناستیسسیم، ناستیسسیم و آکولتیزم و مفاهیمی از این دست. اما بخش دیگر به تاریخچه واژه معنویت در سنت اسلامی و مشابهت‌های مفهومی که این واژه با واژه‌های دیگر دارد، توجه دارد. سؤال این است که آیا ما این واژه را در سنت خودمان و در آیات و روایات داریم و اگر داریم به چه معنایی هست؟ چه مفاد مفهومی دارد؟ اگر نداریم، واژگان مشابه آن چه معانی و دلالت‌هایی دارد؟ من بعضی از آن واژه‌ها را لیست کردم، مثل ایمانیه، روحانیه، عبودیه، ربانیه، قدسیه، الهیه، رهبانیت، وحدانیه، اسلام، ایمان و احسان هر کدام از این‌ها چه معانی و دلالت‌هایی دارد؟ در بخش دوم، همین بحث را در سنت فکری مسلمانان به

تفکیک ادوار تاریخی بررسی می‌کنیم آیا واژه معنوی و معنویت در بین متفکرین مسلمان به کار رفته یا نرفته؟ اگر رفته به چه معنا و چه دلالت‌هایی و اگر نرفته چه واژه‌های دیگری به کار رفته؟ مثلاً واژه روحانیت، طریقت، باطن‌گرایی، عرفان، تصوف، حقیقت، عین‌الیقین و حق‌الیقین هر کدام از این‌ها چه معانی و مفاد مفهومی دارند؟ و چه ارتباطی می‌تواند با واژه معنویت داشته باشد؟ بخش سوم طرح در باب مفهوم‌شناسی معنویت در عصر حاضر است که دو بخش عمده دارد. یکی مفهوم معنویت در عصر پست مدرن و مفهوم معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی است که به طور مستقل و مجزا، ارائه می‌شود. در دوران پست مدرن مهم است که ویژگی‌های این دوران را بدانیم و عناصر فکری و فرهنگی دوران را بشناسیم و خلاءها و عوامل زمینه‌سازی که اقبال به معنویت را زیاد کرده است، بشناسیم. البته بعد از آن بایستی دید که چه عناصر و نیروهایی در زمینه معناسازی برای این واژه فعالیت می‌کنند. به عبارتی این واژه در گفتمان‌های مختلف پست مدرن چگونه تصاحب شده و چگونه به خدمت گرفته شده است. این که اومانیزم چگونه بر واژه اسپیریچوالیتی تأثیر گذاشته و چه دلالت‌هایی را بر آن بار کرده، و همین‌طور، نظام سرمایه‌داری، روان‌شناسی انسان‌گرا و فراشخصی و پلورالیسم دینی و معرفتی چگونه تأثیر گذاشته؟ به این شکل ما می‌توانیم مؤلفه‌ها و اهداف معنویت پست مدرن در سطح فردی و اجتماعی را احصاء بکنیم و همچنین ببینیم که معنویت این دوره با دین چه نسبتی دارد؟ آیا در تضاد با دین است؟ آیا معنویت جزئی از دین است؟ یا هم عرض و هم‌شانه دینداری تلقی می‌شود؟ البته یکی دیگر از کارهایی که می‌شود برای تحلیل بهتر مفهوم معنویت در عصر پست مدرن انجام داد این هست که دلالت‌های کلامی این واژه را استخراج کنیم. ببینیم که واژه معنویت بر اساس کلام امامیه در محورهایی چون خداشناسی، راهنماشناسی و آخرت‌شناسی، چه دلالت‌هایی دارد. مثلاً مفهوم خدای وحدت وجودی، معاد وجودی، یا خدای غیر متشخص در فضای پست مدرن چگونه، تعریف می‌شود، آیا در معنویت جدید سخن از تناسخ است؟ و یا هیچ‌کدام از این‌ها نیست. و بعد، این مبانی با سنت ما چگونه ارزیابی می‌شود؟ خوب دوره پست مدرن دوره جدید بحث هست و شامل ادبیات مفهومی بحث در عصر حاضر می‌شود. البته نباید از ادبیات مفهومی بحث در دوره جدید ایران اسلامی هم غافل بشویم و در گفتمان انقلاب اسلامی بایستی این واژه را پیگیری کرد. همان‌طوری که می‌دانید حضرت امام و شهید مطهری و مقام معظم رهبری از این واژه به کرات استفاده کرده‌اند و به عبارتی در صدد این بودند که دلالت‌های درست معنایی برای این واژه انتخاب بکنند و این واژه را در معنای صحیح خودش به کار بگیرند.

تحلیل مؤلفه‌های معنویت در این نوع کاربرد و حوزه‌های مفهومی آن و البته واژگانی که در کنار واژه معنویت برای بهتر کردن فضای مفهومی آن انتخاب شده، یکی دیگر از حوزه‌های بحث می‌تواند باشد. عمده‌ترین کار این طرح در بخش چهارم اتفاق می‌افتد و آن عبارت از این هست که بر اساس ادبیاتی که تا این بخش طرح شد، یعنی شناسایی تاریخچه مفهوم معنویت، معرفی مؤلفه‌های آن در ادوار تاریخی و البته معرفی مؤلفه‌های آن در دوره

پست مدرن و در گفتمان انقلاب اسلامی، ما چگونه می‌توانیم مؤلفه‌های معنویت را ارائه بکنیم؟ از سوئی مؤلفه‌های چهارگانه ارتباط انسان با خدا، با خود، با دیگری و جهان پیرامونی را براساس سنت خودمان تعریف و ارائه می‌کنیم.

البته مهم هست که اگر استفاده از واژه معنویت را درست می‌دانیم بیان کنیم که به چه دلیل این واژه معنویت را به کار می‌گیریم. به هر حال باید این واژه را بتوانیم از ابهام خودش خارج بکنیم و از دلالت‌های پنهان، مصون نگاهش داریم و اگر این واژه را درست نمی‌دانیم، چه واژه‌های دیگری را برای این بحث می‌توانیم انتخاب بکنیم و براساس کار تحقیقی که تا این مرحله انجام شده، کدام یکی از این واژه‌ها مناسب‌تر هست و می‌تواند مراد ما را و مراد سنت ما را بیان بکند. تعیین واژه/واژگان مناسب و ارائه تعریف نظری و کاربردی آنها، یکی دیگر از بحث‌هایی هست که در این بخش ارائه می‌شود تا ان شاءالله کمک بکند تا دلالت‌های شفاف برای این واژه معین بشود. یکی دیگر از بحث‌هایی که در همین بخش ارائه خواهد شد این هست که معین بکنیم واژه معنویت یا واژه‌های دیگری که انتخاب شده، هر کدام به چه نحو بایستی به کار برده بشود یعنی اینکه شأن این مجموعه شأن سیاست‌گذاری است و بایستی چارچوب مفهومی و چارچوب واژگانی معین بشود یعنی اینکه تا حدودی دیگران بدانند که این واژه را با چه دایره واژگانی دیگری می‌توانند استفاده بکنند و در چه گستره واژگانی بهتر است آن را به خدمت بگیرند. این کمک می‌کند تا این که برای استفاده دقیق‌تر این واژه یک برنامه‌ای داشته باشیم اما در این بخش از طرح، برای دست‌یابی به هدف خیلی مهم هست که مخاطب‌شناسی انجام بشود یعنی من تا اینجا طرح یک بحثی را مغفول گذاشتم و به آن نپرداختم و آن هم این بود که بایستی کار میدانی بکنیم و ببینیم مردم چه نیازی دارند و معنویت را چه می‌دانند و قرار است این خلاء را چگونه پر بکند؟ تعمداً تا اینجا بحث، به این کار نداشتیم به خاطر این که می‌خواستیم این نکته را توضیح بدهیم که ما فارغ از این که الان نیازها چه هست و چه مطالباتی می‌شود، داشت، باید اول در بررسی سنت خودمان مؤلفه‌ها را تشخیص بدهیم و در هنگام عرضه هست که شاید نیاز باشد که ما ببینیم و ارزیابی بکنیم که چه خلاء‌های معنوی وجود دارد. اگر ما بتوانیم زبان مخاطب را بشناسیم و با کار تجربی مخاطب‌سنجی کنیم و درک درستی از نیازها و خلاء‌های موجود داشته باشیم، می‌توانیم بهترین دایره واژگانی را در چارچوب‌های مفهومی مختلف ارائه بکنیم و زمینه را برای استفاده دلالت‌های درست از این واژه‌ها در مباحث روانشناسی، مدیریت، اقتصاد، و تعلیم و تربیت فراهم کنیم..

من یک بار دیگر بحث را به طور خلاصه خدمت اساتید محترم عرض می‌کنم. در طرح نامه‌ای که ارائه شد، به بحث مفهوم‌شناسی و مؤلفه‌های آن نپرداختیم، بلکه براساس این طرح نامه قصد داشتیم زمینه را آماده کنیم تا در یک چارچوب نظری مناسب، مؤلفه‌های مفهوم معنویت و واژگان درست و مناسب آن براساس سنت خودمان، شناخته بشود و مرز این واژه و مفاهیم پشت آن را با واژه و مفاهیم غربی و آنهایی که از لحاظ ما موثق نیست،

معین بکنیم. عمده این کار یک کار توصیفی خواهد بود. البته غیر از بخش آخر که قرار است این مؤلفه ها ارائه شود و چگونگی کاربرد آن در گفتمان های مختلف حدس زده بشود، که نیازمند یک کار مطالعات تجربی است و به عبارتی نیازهای مخاطبین و نیازهای جامعه باید مورد سنجش قرار بگیرد و خلاءهای موجود در باب معنویت تشخیص داده بشود، تا بتوان از این مؤلفه های استخراج شده، به نحو درست استفاده کرد و خلاءهای موجود را پر کرد. البته مباحث دیگری در این ارتباط هست که برای پرهیز از اطاله کلام، از ارائه آنها صرفه نظر می‌کنم. در پیوست طرح گمانه زنی هایی شده در باب این که مؤلفه های معنویت پست مدرن چه هست؟ و مؤلفه های معنویت اسلامی چه هست؟ گمانه‌زنی هایی شده در باب این که اگر بخواهیم واژه جایگزینی برای واژه معنویت انتخاب بکنیم، چه واژگانی می‌تواند باشد؟ و هر کدام چه دلالت هایی دارد؟ برخی از آثار عمده معرفی شده در این باب؛ هم در خصوص تاریخچه معنویت و هم در باب مطالعه نقادانه معنویت غرب. بعد از آن مبحثی را در باب تاریخچه مفهوم معنویت به طور خلاصه از صدر مسیحیت ارائه کردم که این مفهوم و ریشه واژگانی آن در چه دوره‌ای شکل گرفته، در صدر مسیحیت چه معنایی می‌داده، در قرون وسطی چه معنایی می‌داده، البته در قرون وسطی در تفکر مدرسی چه گونه بوده، در فضای کلیسایی چگونه بوده، در فضای دیرنشینی این واژه چگونه به کار رفته و چه دلالت هایی داشته، بعد از آن با شروع گفتمان مدرنیته این بحث چگونه بوده (در عصر اصلاحات دینی چگونه بوده دوره روشن گری و انقلاب صنعتی این واژه چگونه بکار رفته، در دوره مدرنیته شهری این واژه چه دلالت های ضمنی داشته) تا در نهایت می‌رسیم به بحث پست مدرن و بررسی می‌کنیم در دوران پست مدرن این واژه چگونه بکار رفته و چه جریان هایی در صدد مفهوم سازی برای این واژه هستند. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

آقای دکتر احمد احمدی: بسیار خوب تشکر می‌کنم بسیار شسته رفته و خوب تهیه کردید. خوب حالا چه جوری پیش برویم، خودتان بفرمایید.

آقای دکتر صادقی: بسم الله الرحمن الرحیم، اگر خاطرتان باشد جلسه پیش دوستان پیشنهاد دادند و فرمودید که این کار انجام بشود و آن این که در واقع یک تحقیقی صورت بگیرد و این، طرح تحقیق هست و خود تحقیق نیست هنوز، و بنا بر این باید ببینیم هدف از این تحقیق چی هست که آن هدف گم نشود، ما اینجا اندیشکده ای داریم به نام معنویت. حال بحث سر این هست که این معنایی که اینجا به کار رفته با کدام دلالت های معنایی به کار رفته و چه حوزه هایی را پوشش می‌دهد؟ ما اگر این مفهوم را نداشتیم علی القاعده اسم این اندیشکده می‌شد اندیشکده اخلاق و عرفان، این جور به نظر می‌رسد، یک چیزی در این حوزه ها می‌شد، عمدتاً اخلاق و اگر بخواهیم آن ورتر هم برویم، عرفان عملی هم به آن ضمیمه می‌شود. این برداشت من هست. بنابراین ما در این حوزه باید دنبال یک چیزهایی بگردیم. خوب این معنویت آمده روی اسم این اندیشکده، البته این وحی منزل نیست، ممکن است بعضی

مواقع در پیشرفت بحث ها به نتیجه برسیم که نه واژه دیگری باید به کار ببریم، حالا در ادامه این تحقیق ممکن است پیشنهادهاتی بشود که مفید باشد ولی اجمالاً این که هدف ما این نیست که فقط یک تحقیقی صورت گرفته باشد بلکه می‌خواهیم این تحقیق به نوعی اثرگذار باشد روی برنامه عملی این پژوهشکده، یعنی زمینه برنامه ریزی عملی را اینجا فراهم بکند لذا این بود که در جلسه پیش بحث شد که مفهوم و مؤلفه های این بحث بیاید و طرح بشود و استخراج بشود و ارائه بشود که باید بر اساس حوزه کاری این اندیشکده معلوم بشود. به نظرم باید یک فرصتی بدهیم که آقایان اگر نظری دارند در رابطه با اصل طرح که کامل بشود و وقتی تصویب بشود برود برای اجرا بعد محصولش بیاید و ان شاء الله تصمیمات بعدی براساس آن گرفته بشود این مربوط به این طرح. حالا بحث های دیگر هم ممکن است باشد که آن ها را جداگانه مطرح می‌کنیم.

آقای دکتر آذربایجانی: بسم الله الرحمن الرحيم، من تشکر می‌کنم از جناب دکتر شاکرنژاد ایشان بحث خوبی را ارائه دادند به عنوان طرح نامه ۲، ۳ تا نکته به صورت ضمنی سؤال پیش آمده به نظرم خوب است به آن پردازیم. یکی بحث هدف اصلی بود، هدف اصلی را فرمودند: تعیین مؤلفه های اسلامی، بحث انتخاب واژه مناسب و قابل دفاع برای موضوع تحقیق، هدف چون یک مقدار ناظر به آن انتهای کار ما هست. به نظر من جایگاه معنویت در پیشرفت یعنی الگوی پیشرفت هم باید در این جا لحاظ بشود به عنوان هدف اصلی، چون ما صرف مفهوم را نمی‌خواهیم بحث کنیم یا مؤلفه‌هایش را، این رویکرد را می‌خواهیم داشته باشیم که معنویت را بخواهیم پیدا بکنیم، مؤلفه‌هایش، ابعادش را، چه با دیدگاه هایی که وجود دارد، چه با دیدگاه هایی که در ادبیات دینی خود ما هست. برای اینکه جایگاه این بحث را در الگوی پیشرفت بدانیم خوب هست که ناظر به این بحث باشد ولو این که ما همه بحث را پیش نبریم. این یک نکته هست و نکته دیگر مربوط به واژه است، که آیا ما همین واژه را حفظ بکنیم؟ الان به عنوان اندیشکده معنویت برویم روی واژه های جایگزین در تحقیقاتمان؟ تصور من از بحث آقای شاکرنژاد این بود که یک راه شان به سمت واژه های جایگزین است که بعضی از دلایلشان را می‌شود از بحث ایشان حدس زد مثل این که الان از واژه معنویت سوء استفاده هایی می‌شود، به این سمت گرایش پیدا شده که معنویت سکولار بدون دین مطرح شده و چیزهایی از این قبیل، من سه یا چهار تا نکته را می‌خواهم به عنوان دلیل ذکر کنم که ما تفحص بکنیم در رابطه با این واژه و برویم به سمت جایگزینش، آن هم حالا عرض می‌کنم خدمت دوستان. برای این که طرح بحث بشود و به یک جمع بندی برسیم و آن این هست که اولاً بحث معنی درست هست که اسپیریچوآلیتی در دیدگاه غربی هست و تحولاتی هم پیدا کرده. من بعضی از چیزهایشان را دیده ام و الان هم در بین آن ها خیلی مطرح و برجسته هست. اما از گذشته همین لفظ معنوی در دیدگاه های سنتی خودمان مطرح بوده. مثلاً مثنوی معنوی مولانا یکی از مواردش هست که خیلی از مصادیق این بحث را به جد بحث کرده در دیدگاه های خود، شما این لفظ و واژه را می‌توانید جستجو بکنید، چه در ادبیات شعری ما و چه در

ادبیات نثری ما این قابل جستجو هست. یعنی این طور نیست که در ادبیات ما یک چیز جدیدی باشد، گذشته دارد و سابقه دارد، معنویت مصدر جعلی باشد، این مصدر جعلی در ادبیات ۱۰۰ سال اخیر بوده ولی معنوی هست این یک نکته که هم در گذشته بوده، هم در ادبیات اخیر ما نه صرفاً به دلیل برداشت از غرب، مثلاً در مباحث شهید مطهری که به وفور استفاده شده. اصلاً الگو برداری از غرب نیست، براساس دیدگاه های عرفانی، اخلاقی خود ما این بحث را ایشان مطرح می کند و زیاد دارد. اصلاً یک کتاب با عنوان گفتارهای معنوی دارد که در مجموعه آثارشان هم هست این که در ادبیات خود ما هست. این مفهوم را من تأکید دارم و آن این هست که یعنی پشتوانه تاریخی خوبی ما داریم برای این مفهوم، پس به این سادگی دلیل ندارد از آن دست برداریم. نکته دوم بحث جالبی که ما داریم یکی از روش هایی که هم در سنت نبوی بوده و هم در انقلاب خودمان، و ما این را تجربه کردیم، این بود که مفاهیم را لازم نیست که ما مصادیق و مؤلفه هایی را که در غرب بوده همانها را بیاوریم، ما می توانیم این مفهوم را بازسازی کنیم. یکی از روش های مقام معظم رهبری اتفاقاً این بود در بحث دموکراسی یا مردم سالاری خیلی خوب به تدریج بحث مردم سالاری دینی را ایشان گفتند و جا انداختند و مؤلفه هایش را هم روشن کردند. این روش وجود داشته حتی اگر بحث معنویت را ما بگوییم یک واژه غربی بوده، ما می توانیم با توجه به اهمیت اش که به خاطر جاذبه زیادی که در جوان های دارد و به دلیل معنویت سراغ عرفان های نوظهور و بحث های این طوری می روند، ما همان معنویت را بیاوریم و بازسازی بکنیم و مؤلفه های مناسب خودمان را در آن مندرج کنیم و بازتعریفش بکنیم. نکته سوم صعوبت جایگزین هست. من هم در معادل هایی که پیشنهاد داشتم و هم در ذهن خودم این معادل ها را بررسی می کردم واقعاً واژه ای که بتواند دقیقاً معادل این باشد و یا حدوداً نزدیکش باشد، نداریم. همچنین چیزی، یعنی هر کدام از واژگان، اگر دین بگیریم یا مفاهیم دینی، اعم چیزهایی مثل عرفان مثل اخلاق، اخص من وجه هست یا اخص مطلق هست، مواردی مثل ملکوت بیاییم و بگیریم. این هست که خود آن هم تازه جانداختن اش را بتوانیم اشراف بکنیم در سایر اندیشکده هایمان و مباحث دیگر آن هم مشکل هست. با توجه به این نکات پیشنهاد من این هست که لااقل در مرحله اول فعلاً لزومی ندارد ما از این واژه منصرف شویم. خودش بارش خیلی زیاد هست، مصادیق بحث خیلی زیاد هست. یک نکته دیگری که ضمن بحث ایشان ملاحظه کردم، رابطه بین معنی و معنویت هست. معنی و معنویت در زبان فارسی به هم نزدیک اند و هم ریشه هستند اما در زبان انگلیسی این ها هیچ ربطی از نظر واژگانی به هم ندارند. اگر چه بحث معنای زندگی یکی از چیزهایی هست که می تواند پشتوانه باشد برای بحث اسپیریچوالیتی و بحث معنویت، ولی این را هم من دیدم که شما بحث معنا و معنویت را در ضمن مباحث تان نزدیک دیدید، ولی این ها ملازمه ای با هم ندارند. این که تأکیدمان روی معنویت هست به عنوان یکی از مؤلفه ها و یکی از راهبردها برای رسیدن به معنویت است. ما می توانیم از معنا و معنای زندگی هم استفاده بکنیم.



آقای دکتر احمد احمدی: یعنی در واقع معنویت یک نوع استقلال از معنی دارد. منظورتان این هست. یعنی یک تقارنی پیدا کرده است به این معنای خاصی که با کلمه مثلاً معنی به آن معنای لفظی اش است.

آقای دکتر صادقی: البته آن معنایی که آنجا به کار می‌رود به معنای لفظ نیست. معنای زندگی بی ربط به این هم نیست. ولی آن یک استعمال خاص هست، این هم یک استعمال خاص، هر دو خاص هستند ولی به لحاظ لغوی مرتبط با هم‌اند.

آقای دکتر شاکرنژاد: من یک نکته ای را عرض بکنم و آن این که اتفاقاً SPIRIT از روح می‌آید آن دلالت های پست مدرن کمتر می‌تواند روی spirituality حمل بشود. یعنی دلالت معنی جویانه، ولی اینجا خیلی جالب هست که این واژه معنویت ما خیلی کاسه داغ تر از آش هست. یعنی واژه معنویت ما دلالت های به عبارتی پست مدرن راحت تر می‌تواند رویش بار بشود تا حتی واژه spirituality. به خاطر این که آنجا اتفاقاً یکی از مشکلات این هست که می‌گویند این spirit خوب الان من به spirit اعتقاد ندارم چرا به من می‌گویند spiritual but not religious ولی اینجا به کسی که می‌گویند معنوی دیگر می‌تواند قسم حضرت عباس بخورد که دیگر هیچ کاری به دین ندارد. من معنوی معنوی هستم، یعنی اینجا این معنویت ما استقبال بهتری می‌کند از پست مدرن تا spirituality آن‌ها.

آقای دکتر آذربایجانی: خوب آن‌ها نیاز دارند اتفاقاً. من می‌گویم آن‌ها نیاز دارند، چون اهرم دست ما هست چون معنوی ما مبتنی بر این طور است، معنوی ما تا ۲۰ سال پیش واقعاً خالی از دین و بار معنوی دین نبوده. یعنی آن‌ها اگر بخواهند مثل پروژه دین و عقلانیت آن‌هایی که می‌خواهند در این مسیر حرکت کنند در زحمت‌اند، نه به خاطر واژه spirituality، آن‌ها زحمت‌شان به خاطر این هست که یک بازتاب هست در فرهنگ ما، یک چیزی هست که پشتوانه قوی دارد این فرهنگ را می‌خواهند ازش خالی کنند آن وقت خیلی به زحمت می‌افتند، شما فقط spirit را نبینید که چون روح است، باید بگذاریدش کنار.

آقای شاکرنژاد: البته آقای دکتر من پیرو همین نکته یک تحقیق اجمالی انجام داده ام و این محل سؤال من هم هست که واژه معنوی را در سنت خودمان بررسی کنیم. یک تحقیق اجمالی انجام داده ام، دیدم واژه معنوی هم به معنای مختلف به کار رفته، فراوانی استفاده از واژه معنوی به معنای امر حقیقی و امر واقعی بیشتر است تا استفاده از این واژه به معنای امر الهی. یعنی وقتی که می‌گویم فلان چیز معنوی است، مثلاً دلایل قوی باید و معنوی؛ نه رگ های گردن به حجت قوی، این معنوی اینجا یعنی این که حقیقی باشد یعنی این که ساختگی نباشد، کمتر ما می‌توانیم جملاتی را پیدا کنیم با سیاق‌هایی که از واژه معنی به معنای الهی بودن یا ربانی بودن استفاده بشود. البته در طوراس صوفیه بعضاً بوده ولی این جای تأمل و بررسی دارد من نه ردش و نه قبولش را صحیح نمی‌دانم و بایستی کار بشود.

آقای دکتر صادقی : به نوعی هم دفاعی از شما بکنیم و هم دفاعی از آن بحث، اولاً بحث ایشان چون از واژه اسپیریچوالیتی شروع می‌کنند طبیعتاً این ریزش های ابهامی که هست برای معادل فارسی اش هم به نوعی پدید می‌آید و این مشکل را درست می‌کند بعد ایجاد ارتباط بین این معانی جدید و آن معانی سنتی که در حوزه معنویت یعنی واژه معنوی وجود داشته به قدری مسئله ساز می‌شود و ایشان این را می‌رساند به این بحث که این واژه درست است که اینجا به کار می‌رود یا نه؟ الان ما قرار نیست بنشینیم و تصمیم بگیریم چه واژه ای را باید به کار ببریم. فعلاً در این مقام نیستیم. قرار است ایشان تحقیقی بکنند و ارائه بدهند هم فارسی اش را و هم انگلیسی اش را. آن جاهایی که بار معنایی دارند، پیشنهادهایشان را بدهند و بعداً باید تصمیم بگیریم. فعلاً بنای بر این نیست. پس لزومی ندارد این بحث را بخواهیم الان در موردش تصمیمی بگیریم. ببینید ما فرضمان الان این هست که یک اسمی گذاشته شده روی این اندیشکده، بعد بنا هست با همین اسم تحقیق صورت بگیرد. بنابراین این مفروض اول ما هست. الان بحث تغییر نداریم، در پیشنهادهایی که ایشان دادند به عنوان یک احتمال مطرح شده که شاید ما برسیم به این که واژه های جایگزینی بیاوریم و پیشنهاد بدهیم. این را باید تحقیق کنند و آخر کار ارائه خواهند داد. الان که نباید تصمیم بگیریم.

آقای شاکر نژاد: البته آقای دکتر نهایت امر همین می‌شود که ما اگر به واژگان دیگر هم برسیم آن ها را در ذیل این آیه تجربه کنیم. چون واقعاً نمی‌شود یکدفعه واژه جدیدی را جا بیندازیم. بایستی بگوییم که این واژه معنویت هست این دلالت‌ها را دارد و واژگان دیگری هم هست که ابعاد دیگر این بحث را معین می‌کند. این را هم اضافه کنیم که خود واژه معنویت در سنت ما عمدتاً در خواستگاه صوفیانه اش به همین معنایی که امروز هم ما داریم به کار می‌بریم، به کار رفته و از قدیم هم بوده در اشعار مختلف مثل مثنوی و معنوی که اصلاً این را به عنوان صفت این مجموعه ادبیات گرفته‌اند البته این همش در واقع ادبیات تولید شده در حوزه معنویت است. مثنوی و معنوی این هست که مثنوی‌هایی هست در حوزه معنویت. بنابراین ادبیات عرفانی ما همه‌اش در حوزه معنویت هست، به همین معنا صراحتاً به کار برده‌اند. حالا نمونه‌اش را عرض بکنم این را عطار دارد دوست معنوی را می‌گوید به عنوان دوست درونی، دوست منزّه از شواهد مادی، مرد معنوی یعنی آنکه در عالم معنی سیر می‌کند، سالک راه حق، می‌گوید: من که قاضی‌ام نه مرد معنوی؛ زین مرقع شرم می‌دارم قوی. این مرد معنوی مربوط به صوفیان هست به آن‌ها گفته‌اند مرد معنوی یا مقامات معنوی، مراتب سیر باطنی را می‌گفتند مقامات معنوی، بلبل ز شاخ سرو به گلبانگ پهلوی؛ می‌خواند دوش درس مقامات معنوی. این را داریم یعنی در حوزه سنت‌های خودمان به معنای اسپیریچوالیتی و روحانیت و این چیزها، و علوم معنوی هم حتی به کار می‌رود. علوم معنوی یعنی علوم تصوف، همان معنا به کار می‌رود فقط یک آفت دارد این واژه. چون بحث واژه شد آفتش این هست که ما را خیلی به سمت تصوف سوق می‌دهد این یک وقتی غلبه پیدا می‌کند آن وقت از مباحث اخلاق قدری تهی می‌شود.

آقای دکتر احمد احمدی: بله خوب، خیلی ممنون. ببینید، می‌شود این را جمع کرد. اولاً جناب آقای شاکر نژاد فعلاً به گذشته کاری نداشته باشید. واقعاً بپردازیم به این که در سنت خودمان چه جوری پیشروی کنیم، معنی کنیم و یک جوری هم پیش برویم که ما را در دامان تصوف و عرفان تنها نیندازد، بلکه اخلاق و معنویت دینی را هم در این بگنجانند، بالاخره حضور قلب در نماز، توجه به خدا، ذکر و اخلاص و امثال این‌ها که اختصاص به تصوف ندارد. این‌ها در ارتباط با اهل بیت علیهم السلام به وفور هست. این‌ها را در درونش بگنجانیم. یعنی واقعاً تمرکز کار روی سنت خود ما باشد. حالا اگر یک وقت ضرورتی باشد فرعی درباره این اسپیریچوالیتی یا امثال این‌ها بیاورید، ما آنقدر غنی هستیم و امروز نیازمان به این سنت خود ما هست لازم نیست برویم از آنجا مدد بگیریم. حتماً هر دو بزرگوار نظرشان این باشد که فعلاً به همین بسنده بکنیم و شما هم سراغ این قسمت بروید آن بخش‌ها را بگذارید برای بعد.

آقای دکتر میرمعزی: بسم الله الرحمن الرحيم؛ من از موضع اندیشکده می‌خواستم یک نکته‌ای را خدمت اساتید عرض کنم. ببینید عناوین اندیشکده‌ها در این جا آمده. اندیشکده‌ها در این جزوه معرفی شده‌اند. اندیشکده اخلاق خودش یک اندیشکده مستقلی است. اینجا اندیشکده معنویت هست اندیشکده تربیت باز یک اندیشکده مستقلی هست. یعنی ما در حوزه نظام فرهنگی اندیشکده تربیت، اخلاق و فرهنگ، اندیشکده رسانه و ارتباطات و اندیشکده مناسک عبادی این‌ها با یک استدلالی این گونه اندیشکده‌ها را برشمردند و این‌ها هر کدام مثل همین اندیشکده اعضای دارند و مشغول کارند، بعضی‌ها مشغول نشدند ولی بعضی‌ها کارشان را دنبال می‌کنند. بنا بر این، طبق این چارچوب باید اندیشکده‌ها، راه‌اندازی بشوند. من در ذهنم این است که اخلاق تشکیل شده است منتهی ممکن است مثلاً اعضایش از شورای عالی آمده باشند حدود بیست و هفت، هشت اندیشکده در اینجا آمده. ما یکسری اندیشکده‌هایی تحت عنوان ارکان داریم، که اندیشکده معنویت جزو اندیشکده‌های ارکان می‌باشد. اندیشکده‌ای در کنار دو اندیشکده دیگر که فکر و علم است و این را هم جلسه اول که خدمت اساتید رسیدم، عرض کردم با این استدلال شروع کردم که مقام معظم رهبری عرصه‌های پیشرفت را چهار عرصه دانسته‌اند. عرصه معنویت، فکر، علم و زندگی. ما این تقسیم‌بندی را بر اساس این عرصه‌ها انجام می‌دهیم حالا اگر بعد به این نتیجه رسیدیم که عرصه دیگری هست یا دو عرصه در هم قابل ادغامند، اینها را بررسی می‌کنیم. با این فرض اندیشکده‌ها سازمان دهی شده‌اند. اندیشکده معنویت در حقیقت یک اندیشکده‌ای است که سایه اش روی همه اندیشکده‌های دیگر از جمله اندیشکده‌های اخلاق و تربیت می‌افتد. حتی سایه اش روی اندیشکده اقتصاد، سیاست، هم می‌افتد و روی فکر و علم هم می‌افتد. این به وضوح در کلمات مقام معظم رهبری آمده که بحث توسعه غرب منحصر است در ابعاد مادی و ابعاد مجرد این جهان و انسان را اصلاً ندیده و پیشرفت اسلامی به این ابعاد هم ناظر است، یعنی ابعاد مجرد انسان و عالم جهان هستی و در حقیقت ما ترقی و تکامل را در پیشرفت

اسلامی می‌بینیم، فقط ابعاد مادی نیست. که این هم به عنوان مهم ترین و اساسی ترین فرق بین تمدن اسلامی در این معقوله که بحث پیشرفت است و تمدن غربی تلقی شده، که آنها کاملاً مادی به قضایا نگاه می‌کنند و ما به اصطلاح با یک نگاه مادی و مجرد همه ابعاد انسان را می‌بینیم. حالا با توجه به این، من فکر می‌کردم که اگر می‌خواهیم در این چهارچوب فکر کنیم، خوب است، این بحث‌ها را بدانیم. الان اگر در اندیشکده معنویت دنبال این هستیم که به اصطلاح مفهوم را به نوعی تبیین کنیم، این کار بیشتر به هدف تعیین قلمرو کار اندیشکده نزدیک است یعنی ما می‌خواهیم گستره موضوعی کار اندیشکده را که بعداً هم دنبال نظام مسائلیش می‌خواهیم بگردیم، که بعداً این نظام مسایل در حقیقت نقشه راه ما می‌شود برای این که در این موضوع مدیریت علمی در سطح کشور را انجام بدهد این اندیشکده ناظر بر این هدف است. بنابراین فکر می‌کنم دنبال این که حالا این تحقیق که حضرت عالی الان طرحش را دادید ظاهراً پیشنهاد جمع بوده که این کار صورت بگیرد. الان یک ابهامی در کلمات شما هست ما نمی‌فهمیم شما دنبال چه هستید؟ دنبال این هستید که آیا واژه معنویت معادل spirituality به اصطلاح غرب هست؟ ترجمه آن هست؟. دنبال واژه شناسی هستید؟ مفهوم واژه را می‌خواهید پیدا کنید؟ و یا می‌خواهید بدانید این واژه مثلاً در غرب چه معنایی داشته، حالا همین واژه در سنت اسلامی چه معنایی دارد، دنبال این هستید؟ یا نه دنبال این هستید که یک معنایی در ذهن شما هست، دنبال واژه مناسب برای آن می‌گردید؟ متوجه هستید؟ شما بعضی جاها می‌گویید ما برویم ببینیم که آیا این واژه مناسب است یا نه؟ معادل‌های آن را برای چی می‌خواهید؟ آیا یک مطلبی مورد نظران هست و شما دنباله واژه مناسب آن می‌گردید یا نه شما می‌خواهید واژه شناسی کنید؟ متوجه هستید چه می‌گویم؟ یعنی شما الان طرحتون بین این دو جهت به نظر من مردد است. فکر می‌کنم دومی بهتر است و این هم دنبال واژه اش نگردیم. همان واژه معنویت داشته باشیم. ما با نگاه مقام معظم رهبری در جایگاه ساخت تمدن اسلامی هستیم. ما واژگان خودمان را خودمان انتخاب می‌کنیم خودمان تعریف می‌کنیم همین دلیل ایشان از کلمه توسعه استفاده نکردند، به هر حال می‌خواهیم بگویم این‌طوری و با این نگاه وارد بحث شدن که این واژه در غرب معادل چی بوده در غرب چه استنباطی از آن داشتند، حالا ما اگر این واژه را آوردیم، چه می‌شود؟ در اسلام از این واژه چه معنی می‌دهد؟ ما که اسیر واژه نیستیم. ما یک فرق اساسی بین بحث توسعه غربی و پیشرفت اسلامی احساس کردیم. آن فرق هم عبارت است از این که ما به ابعاد مجرد عالم و انسان می‌پردازیم و پیشرفت را در آن عرصه‌ها هم تعقیب می‌کنیم. ولی اینها نمی‌پردازند. اسم این بحث را گذاشتیم معنوی، ابعاد معنوی پیشرفت.. این که بیاییم در وادی واژه شناسی با این ادبیاتی که در این طرح مطرح می‌شود، شاید به غرضی که ما در این اندیشکده داریم نزدیک نشویم و بدون جهت وارد یکسری بحثهای بسیار مفصل و دعوای واژه شناسی بشویم که اصلاً هیچ فایده‌ای هم برای این اندیشکده نداشته باشد.

اقای دکتر احمد احمدی: خوب در واقع حاصل فرمایش حضرت عالی تقریباً تأیید نظر دوستان است که ما یک اصطلاح خاصی به نام معنویت داریم که در همین ابیاتی هم که خوانده شد، آمده. منتهی مخلوطش نکنیم با حوزه عرفان و این ها. بلکه گسترش بدهیم به کل مفاهیم دینی، عرفانی، اخلاقی منتهی در یک حوزه فراتر. در هر حال اگر بخواهیم واژه شناسی به این معنا بگیریم ولی دیگه توسعه اش ندهیم و همین را مبنا قرار بدهیم اگر هم می خواهید معنایش کنید، از همین ابیاتی که هست استفاده کنید. سراغ این که معنویت از معنا آمده، معنا لفظش چیه. دلالت بر مفهوم می کند؛ این ها را رها کنید. بگویید معنویت یک اصطلاح خاصی است در فرهنگ ما و این مطالبی که هر سه بزرگوار فرمودید. آقای شاکرنژاد روی این ها تکیه کنید. چون بنده همیشه به این دانشجویانی که می خواستند مدرک دکتری یا فوق لیسانس بگیرند سعیم این بوده که وارد الفاظ نشویم برای این که آن وقت خودم که می خواهم یک نامه بنویسم برای مقام معظم رهبری سه، چهار ساعت وقت می برد که چه جوری باشد. وقتی وارد بحث بشوید دیگر بیرون آمدنش خیلی دشوار است.. غرض میشه همه جور بحث کرد برایش. این غربی ها هم برای خودشان، نان مفت خوردند و از این استعمار پول در آوردند. ما انقدر وقت نداریم شما انشاءالله سعی بکنید همین مطالبی که دوستان می فرمایند روی این اصطلاح کار بکنید و خیلی به حاشیه نروید تا هر چه زودتر این به نتیجه برسد.

آقای دکتر میرمعزی: اگر حاصل کار ایشان در حقیقت یک تعریفی از قلمرو کار اندیشکده باشد، خوب است. چون الان همین را هم از اندیشکده می خواهند. این می خواهد جزو اسناد ثبت شده در مرکز باقی بماند تعریف مضبوطی از معنویت داشته باشیم که بیانگر قلمرو موضوعی این اندیشکده باشد. شاید مثلاً یک پاراگراف دقیق نوشته بشود و یا یک صفحه نوشته بشود. این در حقیقت حاصل یک تحقیقی باشد که در حد مثلاً یک مقاله علمی پژوهشی صورت بگیرد نه در حد یک تحقیق مفصل. یعنی مستند این یک صفحه در حقیقت یک تحقیقی در حد یک رساله مثلاً چهل پنجاه صفحه ای است که دفاع می کند از این که چرا واژه معنویت را ما این گونه معنی کردیم. در این حد به نظر من اگر این کار صورت بگیرد کاربردش برای اندیشکده کاملاً کاربرد خوبی هست. بعد به دنبال آن و بر اساس این تعریف، دنبال گستره موضوعی دنبال نظام مسائل و محورهای کلامی و ... می رویم.

آقای دکتر احمد احمدی: خوب خیلی ممنون، جناب شاکرنژاد، جناب دکتر صادقی این طرح برای همین نوشته می شود یا نه برای هدف دیگری بوده است؟

آقای دکتر صادقی: نه، برای همین نوشته می شود. قبلاً عرض کردم که رساله دکترای ایشان برای فضای معنویت هست ولی این بحث را ندارند، آن رساله هنوز دفاع نشده و مشغولند.

آقای دکتر احمدی: در واقع از درون آن یک طرحی دارید بیرون می کشید؟

آقای شاکر نژاد: آن رساله مربوط به یکی از بخش های این هست. آن هم دلالت های کلامی استفاده معنویت در فضای پست مدرن. آن هم چند تا شخصیت است یک بخش خیلی جزئی در این بحث هست با رویکرد تبارشناسی.

آقای دکتر صادقی: چون رشته اصلی ایشان کلام است برای همین باید رویکرد کلامی داشته باشد در حوزه کلام جدید هستند.

آقای شاکر نژاد: اگر که به تعبیر حضرت عالی ما به فضای معنویت غربی کار نداشته باشیم، دیگر هیچ وجه مشترکی با آن طرح رساله بنده پیدا نمی کند. ولی حقیر عضو هیئت علمی پژوهشگاه دفتر تبلیغات هستم، آنجا قرار است شبیه این پروژه را شروع بکنند.

آقای دکتر احمدی: به چه مناسبتی؟

آقای شاکر نژاد: به این مناسبت که دوستان می خواهند در باب رشد معنوی کار کنند. یعنی پروژه ای داریم تحت عنوان رشد معنوی که مسئولیت اش با حقیر هست و در مقدمه این پروژه قرار است بحث های مفهومی شناسی انجام شود.

آقای دکتر احمدی: خوب شما می توانید هم رساله تان را انجام بدهید و هم این را در کنارش بگذرانید؟ و بین این و کار آقای علیزاده آیا تداخلی هست؟

آقای شاکر نژاد: رساله بنده که فضایش متفاوت از این هست. تقریباً هم موادش آماده هست. بخشی نوشته شده و بخشی هم مانده است که باید بنویسم. آن یک بحث جدایی هست ولی کار آقای علیزاده و اینجا هنوز نمیتوانم قضاوت بکنم به خاطر این که آنجا هنوز شفاف نشده که ما می خواهیم چه مقداری به این بحث بپردازیم و چه مقداری از این بحث اصلاً مربوط به من هست؟ چون تازه این کار شروع شده در حد هم اندیشی با اساتید هست، که اساساً چه بکنیم؟ شبیه یک بحثی که اینجا در گرفته. ما آن جا داریم برنامه ریزی می کنیم که اساتید بیایند و هم اندیشی بکنیم. اصلاً چه قدر این بحث لازم است برای رشد معنوی یا لازم نیست هنوز آنجا من تصویر شفافی از بحث ندارم.

آقای دکتر آذربایجانی: من یک پیشنهادی دارم که در چارچوب کار آقای شاکر نژاد هم قرار می گیرد. ایشان مشغول شدند و زحمات خوبی کشیده اند. پیشنهاد من این هست که این طرحی را که داده اند در پاسخ به این مسئله، ایشان متمرکز بکنند در چارچوب کار ما. دقیقاً یک بحث، تعریف معنویت و مؤلفه های آن هست یک بخش متمرکز شود به ادبیات خود ما. یعنی ادبیات فارسی. ما این واژه معنوی را بیاوریم و جستجو بکنیم. یعنی فقط اکتفا نشود به بحث لغت نامه هایی که ما داریم از دهخدا. واقعاً یک سرچ خوبی روی این بحث بشود که براساس کاربردهایش بتواند هم معنا و هم مؤلفه هایش را بدست بیاورد. ممکن است بعضی مشترک لفظی هم باشد یکی

این هست. یکی هم از قرآن و حدیث هم استفاده شود. وقتی ایشان در ادبیات خودمان این کار را کردند، باید ببینیم نزدیک ترین معادل‌ها چی هست؟ این را می‌توانند آنجا هم انجام بدهند و مرحله سوم با توجه به کاری که راجع به طرح کردید، یک نگاه انتقادی به غرب هم داشته باشند چون ما این معارضه را داریم با فرهنگ خودمان که دارند بحث معنویت را با همان معنای قبلی‌اش به کار می‌برند. در آخر این کار معنی‌شناسی شود و یک نگاه انتقادی مطرح شود. این اشکال را براساس فرهنگ خودمان داریم. این یک پرسش هست که اگر صلاح بدانید این یک مبنا می‌شود برای چارچوب کارهای ما. می‌شود محور اول همین وظایف اندیشکده که اینجا آمده. مسئله دوم قلمرو و مسائلی هست که ما باید به آن پردازیم. مسئله‌هایی که ما باید به آن پردازیم چی‌ها هست؟ یک الگوی منسجمی را بیاوریم. ببینید ما الان در اینجا یک پیشنهادی مطرح شده الان ۲۰ تا موضوع یا مسئله آمده ولی خوب این‌های اولین اشکالی که دارد این هست که هم یک مقدار تداخل دارد با اندیشکده‌های دیگر که این را باید روشن بشود و دوم اینکه هیچ انسجامی با هم ندارد. ما باید این را در یک مدل بیاوریم که این ۱۰ تا مسئله را ما در اندیشکده معنویت باید طرح بکنیم و به آن پاسخ بدهیم این دو تا پیشنهاد به نظر می‌رسد که باید به یک جمع بندی برسیم. ببینید.

آقای دکتر صادقی: آن بحث اول بیشتر بحث‌های تصویری است یعنی اینکه ما مفهوم معنویت و مؤلفه‌هایش را تعیین کنیم بحث دوم بحث تصدیقی هست یعنی مسئله است. فرضاً اینکه رابطه معنویت و عقلانیت چی هست رابطه معنویت با حکومت یا حاکمیت چی هست؟ یک سری مسئله‌های مهم که در چارچوب الگوی پیشرفت برای ما مطرح است. این‌ها را باید بحث کنیم و گزینش بکنیم و به یک چارچوب برسیم.

آقای دکتر آذربایجانی: ممکن است کار را در چند مرحله جلو ببریم. ولی بهتر است در قدم اول بگذاریم یک کار انجام بشود به نظر لازم نیست در اولین گام از قرآن و حدیث آغاز کنیم. چون خود معنویت در قرآن و حدیث نیست کاربردهایش که اندیشمندان و فیلسوفان و. داشته‌اند در بیاید و مؤلفه‌هایش دربیاید همین دو بخش. این رویکرد به پیشنهاد آقای دکتر واعظ زاده هم نزدیک تر است و لازم است در حد یک مقاله مفصل علمی باشد که حاصلش بشود یک صفحه. بعد برویند سراغ قلمرو کار که ممکن است آن را خود ایشان آمادگی‌اش را داشته باشند انجام بدهند ممکن است طور دیگری کار کنیم چون اگر اولی درنیاید دومی نمی‌تواند شروع بشود. بنابراین باید برویم اولی را انجام بدهیم.

آقای دکتر میرمعزی: ببینید این پیشنهاد جناب آقای آذربایجانی خیلی خوب است. منتهی ما باید به جو این اندیشکده‌ها توجه بکنیم. کار این اندیشکده در نهایت می‌خواهد چی بشود؟ حاصل همه تلاش‌ها می‌خواهد تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در عرصه معنویت باشد. البته علاوه بر این، می‌خواهیم گفتمان هم ایجاد بکنیم. آنچه می‌خواهد بیاید بیرون و مثل یک سند بشود، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در عرصه معنویت است.

بنابراین اگر ما معنی و معنویت را مورد بحث قرار می‌دهیم، می‌خواهیم در یک هم‌چین مسیری از آن استفاده بکنیم. خیلی لازم نیست کلمه معنی و معنویت به طور مجرد مورد بحث قرار بگیرد. ما شبیه این بحث را در عدالت داشتیم. عدالت هم همین داستان را دارد. معمولاً این اندیشکده‌هایی که اندیشکده‌های کلان هستند و ناظر بر بقیه اندیشکده‌های دیگر می‌شوند، وضعیت مشابه دارند. آنجا ما به این نتیجه رسیدیم که پرداختن به واژه‌ها خیلی ضرورت ندارد. در شورای عالی هم بحث شد. بنا بر این همین مسیر مناسب است که پیش بروند. بعد از این که حوزه کار اندیشکده تعیین شد، دنبال نظریه مبنا در بحث پیشرفت معنوی باشد. یعنی یک سری داده‌هایی که برای سایر اندیشکده‌ها مفید باشد. مثلاً کسی که در اندیشکده اقتصاد هست و باید معنویت اقتصاد را ببیند، مفید باشد. آن یکی که در اندیشکده سیاست هست باید معنویت و سیاست را ببیند مثل عدالت می‌ماند که عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و ... همه این اندیشکده‌ها یک شعبه‌ای است که این کار باید در درونشان انجام بگیرد. آن وقت خطوط راهنمای کلی صرف نظر از عرصه‌های معنویت، باید از طریق اندیشکده معنویت تولید بشود و در اختیار اندیشکده‌ها قرار بگیرد که آن‌ها بتوانند این را تبدیلش بکنند و ببرند در عرصه خودشان و بومی‌سازی کنند در عرصه اقتصاد و سیاست و این‌ها. بنابراین در این قبیل موارد یک نظریه مبنا در باب معنویت باید تولید بشود که این کار این اندیشکده است. بعد می‌رسد به اینکه در تعاملش با اندیشکده‌های دیگر نظریه فردی با معنویت اقتصاد و ساسیت ... تولید بشود. الان بحث پیشرفت معنوی در سطح کلان جامعه را می‌خواهیم بررسی بکنیم.

آقای دکتر صادقی: خوب عنصر معنوی اش یکی است و مشترک هست ولی عرصه‌های فردی و اجتماعی اش متفاوت است. ایشان باید به عنصر معنویت توجه کنند. ببینید برداشت ایشان از بحث ما چی هست؟

آقای دکتر احمد احمدی: ایشان مجری طرحی هستند که شما می‌فرمایید. ما الان چه جوری به ایشان خط بدهیم؟ اگر این مطلبی را که آقای آذربایجانی فرمودند مبنا قرار بدهیم، آن وقت با آن پیشنهادها دیگر چه جور عمل بکنند؟ آیا ایشان وارد ارتباط معنویت با آن معنای عام که ما در نظر داریم و شامل همه اندیشکده‌های دیگر می‌شود، بشوند، یا نه؟ اگر قرار است مقاله‌ای که شما فرمودید در حد یک صفحه یا دو صفحه تهیه کنند و ما آن را الگوی کارمان قرار بدهیم، در واقع مانیفست کار باشد، در آغاز. حد و حدود کار را، ایشان معلوم کنند.

آقای دکتر صادقی: منافات ندارد ایشان نظرشان این نبود که الان وارد همه این ارتباطات و عناصر بشویم گفتند که توجه بکنند که می‌خواهند به آنجا برسیم. شروع بحث شان به گونه‌ای باشد، که به آن جهات هم توجهی شده باشد. همین بحث اول در واقع فقط مفهوم و این که این کاری که این اندیشکده برایش تأسیس شده معنایش چی هست و مؤلفه‌هایش کدام است؟ فعلاً همین را کار کنند و مرحله دوم به قلمروش می‌پردازد. آقای شاکر نژاد به جای اینکه معنویت را توضیح بدهند، بگوییم پیشرفت در عرصه معنویت دنبال چیست؟ در حقیقت بعد معنوی پیشرفت را تبیین کنند. چون ما آخرش باید به این نتیجه برسیم که پیشرفت در عرصه زندگی، عرصه علم، عرصه



فکر، و عرصه معنویت چیست؟ چیزی که الان ماموریت این اندیشکده تبیین و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در عرصه معنویت است

آقای دکتر آذربایجانی: ما کل کار را به ۱۰ تا عنصر تقسیم کنیم. اولین مرحله همین است یعنی بحث معنی شناسی معنویت که معنا را بر اساس فرهنگ خودمان بفهمیم.

آقای دکتر میرمعزی: این بحث باید هدایت بشود. بفرمایید که تعبیر شما از معنا شناسی معنویت چی بود؟

آقای دکتر آذربایجانی: ببینید وقتی ما معنا شناسی معنویت را انجام بدهیم، این معنویت ۱۰ تا مؤلفه دارد. این ۱۰ تا مؤلفه یک وضعیت از صفر تا ۱۰۰ می تواند داشته باشد. یا از ۱ تا ۱۰۰ می تواند داشته باشد. بعد می آییم وضعیت موجود در کشور را نسبت به هر کدام از این مؤلفه ها می سنجمیم که در چه حدی هستیم؟ که در این طرح هم آمده الان. مثلاً اگر در یکی از این وضعیت ها ۱۰ باشد، هر کدام این ها را بالاتر ببریم و شاخص هایش را افزایش بدهیم، می شود، پیشرفت.

آقای دکتر میرمعزی: چیزی که حضرت عالی می فرمایید در واقع دارید وارد عرصه و مصادیق و این کارها می - شوید. ببینید ما یک مفهوم معنویت داریم. حرکت از مفهوم به مصداق با دو واسطه انجام می شود اول: معیارها یا مؤلفه ها که حضرت عالی اسمش را مؤلفه ها می گذارید. ما در بحث های اقتصادی اسمش را معیار می گذاریم. بعد بر اساس معیارها، شاخص ها ساخته می شود. شاخص ها چیزهای کمی هستند. با شاخص ها ما وضعیت فعلی را تشخیص می دهیم و اگر دیدیم از شاخص ها دور هست، راه کار مرتبط، بررسی می شود. یعنی مفهوم هست و پس از بحث مفهومی می رسیم به معیارها. پس از معیارها، راهبردها هم هست. حالا ایشان اگر روی آن بحث مفهومی یعنی مفهوم را بخواهند توضیح بدهند، این یک بحث است، اگر بخواهند وارد بحث معیارها بشوند، معیارها غیر از مؤلفه ها است. ببینید، عدالت را می توانیم عدالت فردی، اخلاقی و همه این عرصه ها ببریم منتهی چیزی که در این الگو مورد بحث است، عدالت اجتماعی است و ما به این مفهوم باید پردازیم. بحث ما ناظر به الگوی پیشرفت باشد. من نظرم این هست. ممکن است شما معنویت را در گستره مفهومی اش رها نکنید. یا بخواهید با گسترده باز به محیط هایی بروید، که ربطی به بحث پیشرفت ما نداشته باشد. می خواهم یک قیدی بزنم که شما این مفهوم را به عنوان بعدی از ابعاد پیشرفت توضیح بدهید. حالا مفهوم معنویت را به عنوان بعدی از ابعاد پیشرفت جامعه توضیح بدهید، نه خود مفهوم معنویت را توضیح بدهید و لو اینکه مثلاً با آن مفهوم نتواند به عنوان بعد و عرصه پیشرفت قرار بگیرد.

آقای شاکر نژاد: اگر اساتید اجازه بدهند من یک نکاتی را عرض بکنم که یک مقداری بحث برای خود من شفاف بشود. آقای دکتر متن و آینده را نشان می دهند. ولی خوف این می رود که ما می خواهیم راه ۱۰۰ ساله را یک شبه برویم. باید از این آفت جلوگیری بشود. من قبل از این که خدمت اساتید باشم، آقای ساجدی نیا با من تماس

گرفتند. من اولین کاری که کردم رفتم سایت مجموعه را دیدم، تا ببینم رسالت مجموعه چی هست؟ عمده این موادی که اینجا هست، من آنجا با دقت خوندم تا قرار هست چه بکنیم و شأن این مجموعه را شأن خیلی بالایی یافتیم. یعنی اینکه قرار است اینجا یک سیاست گذاری کلان فرهنگی را بکند، نه بحث یک مقاله و دو مقاله و یا این که یک کاری ما انجام بدهیم حالا برویم سراغ کار اصلی مان. من یک مقداری بحث را فراتر از این ها دیده‌ام ولی خوب دغدغه آقای دکتر هم دغدغه پذیرفتنی است. بایستی که محصول کار براساس اهدافی که تعیین شده، سریعاً استخراج بشود. باید بین این دو جمع زد. یعنی شتاب زدگی در کار هم آفت می آورد و با توجه به شأن سیاست گذاری اینجا، شاید شتابزدگی هم باعث عقیم شدن کار و شکست خوردن طرحی باشد، که اینجا قرار است بیفکند. به نظرم می آید اگر ما به مؤلفه های مفهومی معنویت بپردازیم، لاجرم به آنجا پیش خواهیم رفت که معیارهایی را استخراج بکنیم، شاخصه هایی را براساس آن بنویسیم و راهبردهایی را اتخاذ بکنیم برای پیشرفت و البته این مفهوم شناسی که انجام دادیم، می تواند زمینه ای باشد برای کارهای دیگر، در بحث های دیگر. این که آدم به مخاطب و فضای بحث توجه بکند لازمه هر بحثی هست، که من قبل از این که خدمت اساتید باشم، سایت را نگاه کردم و با فضای کلی مجموعه آشنا هستم. درباره این که چه کارهایی می شود انجام داد و چه مسائلی را می شود پیش گرفت. آقای دکتر احمدی قید خوبی زدند. که ما می توانیم فعلاً تفکیک کنیم و کاری نداشته باشیم به فضای غربی و به فضای ایرانی اسلامی بپردازیم. و خوب احياناً اگر بعضی جاها مباحث خیلی هم پوشانی پیدا کرد و مباحث نزدیک شد، تذکراتی بدهیم. ان شاءالله این را خط مش کار قرار می دهیم و این که چه میزان باشد حجم کار و این که چگونه به آن بپردازیم و در چه مراحل بپردازیم. آقای دکتر آذربایجانی تقسیم بندی خوبی کردند. ما می توانیم به ادبیات فارسی بپردازیم و مفهوم معنویت را در آنجا پیگیری بکنیم. واژه معنویت را در قرآن و حدیث پیگیری بکنیم. ما یک واژه معنویت نداریم، به عبارتی با آن شبکه مفهومی که کشف کردیم و به عبارتی با کمک گیری از دانش های زبانی به عنوان مثال زبان شناسی شناختی، بتوانیم اینجا حوزه مقصد و مبدأ این دلالت ها را کشف بکنیم و استخراج بکنیم که ان شاءالله با متدولوژی این کار پیش خواهد رفت و به عبارتی بحث تعمیم داده می شود به حوزه قرآنی و روایی و البته بایستی دو تا بحث دیگر را بگنجانیم یکی بحث را داشته باشیم درباره این که واژه معنویت با مفاهیم ضمنی اش در گفتمان انقلاب اسلامی چگونه به کار رفته؟ یعنی شهید مطهری، حضرت امام و حضرت آقا چگونه از این واژه استفاده کردند و به نظر می آید که می شود این را در بحث اول گنجانند و هم می شود تفکیک کرد. بایستی اساتید محترم در این خصوص نظر بدهند. و خوب یک مقاله مختصری شاید نوشته بشود. همانطور که آقای دکتر آذربایجانی گفتند در باب نقد این واژه و دلالت های ضمنی در فرهنگ غرب. که اگر بخواهیم یک اولویت بندی بکنیم از لحاظ حجمی، هم دسته بندی بکنیم کار را، عمده بحث همان بحث ادبیات واژه معنویت و مفهوم آن در ادبیات فارسی و گفتمان انقلاب اسلامی هست که با آن بحث ان شاءالله معیارها را

استخراج می‌کنیم. بعد آن را تطبیق می‌دهیم به قرآن و روایت تا بتوانیم حوزه مفهومی را گسترش بدهیم و اصلاتی ببخشیم به حوزه مفهومی و مرز خودمان را معین بکنیم به حوزه های غربی که من به نظرم می‌آید که اگر این شیوه را پیش بگیریم خوب البته لازمه هر کاری این هست که آن فضایی که می‌خواهد بحث بشود، را درک بکند و در فضایی که می‌خواهد این کار را انجام بدهد، بگنجانند. این فاز اول کار می‌شود که مقام تصویری کار هست و به مقام تصدیقی کار نمی‌رسد. حقیر این فاز را در خدمت بزرگواران هستم. ولی فاز دوم فاز فوق العاده پیچیده ای هست و آن فازی هست که نیازمند همفکری اساتید هست، نیازمند همفکری اساتید در حوزه های مختلف اندیشکده هست که ما در مقام تصدیق بیاییم و بگوییم که در حوزه های مختلف چگونه می‌شود مؤلفه های معنویت را به کار گرفت و آن خودش نیازمند یک بحث مستقل هست. شاید مجری مستقل بخواهد یا اینکه کار گروهی لازم است، انجام شود که سیاست گذاری های خواست خودش را می‌خواهد. فقط من خواهش دارم که در بحث معنویت شفاف تر بگویید که هر کدام از این بحث ها آیا تصویب شده و بایستی انجام بشود؟ و چه میزان باید انجام بشود که یک مقداری کار شفاف تر بشود ان شاءالله.

آقای دکتر احمدی: خوب چون شما به هر حال باید به حجت برسید، اگر بخواهید فازبندی اش بکنید آنچه جناب آقای دکتر آذربایجانی فرمودند و همچنین جناب آقای دکتر صادقی این را باید بنویسیم و آن چشم اندازی که آقای دکتر میرمعزی می‌فرمایند آن چشم انداز هم در این لحاظ بشود که ما فقط نمی‌خواهیم این اصطلاح را معطوف اش بکنیم به اینکه یک حوزه خیلی گسترده ای باشد که از عرفان و اخلاق و معنویت شیعه و قرآن و همه را پوشش دهد. بنده در آن نوشته اولیه گفتم که انالله و انا الیه راجعون که آن اساس این معنویت است از خداییم و به خدا برمی‌گردیم. این باید چشم انداز ما باشد. اگر این را بتوانیم جمع‌اش بکنیم آن وقت مسیر جناب آقای شاکر نژاد مشخص خواهد شد. انتقاد به دیدگاه های غربی ها را بگذارید برای مراحل بعد. فعلاً در این مرحله ما می‌خواهیم یک تعیین مسیری بکنیم که هم ما و هم شما اگر دفعات بعد هم اگر بخواهید زحمتی بکشید معلوم باشد که چه طوری داریم حرکت می‌کنیم. آقای دکتر بفرمایید.

آقای دکتر میرمعزی: من نظرم این بود که نزدیک ترین بحث به کار ما، بحث معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی هست و من فکر می‌کنم از اینجا ایشان شروع بکند. فاز اول کار را تعریف بکنیم بحث معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی از شخصیت هایی مانند امام و مقام معظم رهبری و همان طور که فرمودید شهید مطهری. حالا ممکن است شخصیت های دیگری را هم مانند علامه طباطبایی یا حضرت ایت الله جوادی آملی در مجموعه بحث داشته باشیم. شما نظر بزرگان معنویت را در قالب یک مقاله تولید بکنید. ایشان اگر بخواهد برود در ادبیات ایرانی، خوب این تصورات در غرب هم هست. اما ما که دنبال این ها نیستیم، دنبال این هستیم که معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی چیست. از همان جا به نظرم می‌شود کار را شروع کنیم. ایشان یک کار کوتاه مدتی در این رابطه انجام

دادند، یک جمع بندی بشود و آن جمع بندی بیاید در اندیشکده. فکر می‌کنم اگر بخواهیم برویم در بحث ترمولوژی معنویت و لو در ادبیات ایرانی، این به نظر ما نمی‌خورد. ممکن است در فازهای بعدی برویم. آقای دکتر آذربایجانی: ما بحثمان اینجا تمام نمی‌شود. بحث معنویت را اگر به عمق اش نگاه بکنیم ما یک طوراس مهمی داریم در این زمینه. چرا این را می‌گذاریم کنار، حتی معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی که خیلی پیشنهاد خوبی بود، این بدون پیشینه نیست، یعنی بسیاری از اشارات شهید مطهری معطوف به آن‌ها است، اتفاقاً بحث و اشاره خوبی کردند، بحث شما این است که می‌خواهید یک سیاست گذاری فرهنگی برای ۲۰ سال آینده بکنید. حالا بیایم فقط به این اکتفا بکنیم، این کار زیادی نیست، شاید ۱ ماهه بشود این کار را انجام بدهد. یعنی این را با یک نگاه معنایی می‌شود به آن انسجام داد. پشتوانه را ببینیم، این ادبیات بیاید، در آیات و روایات هم بیاید در تکمیلش در گفتمان انقلاب اسلامی ببینیم به بار نشسته است.

آقای دکتر احمد احمدی: اول این ادبیات را بیاورند و بعد آن‌ها را بیاورند، منتهی ابتدا مراعات بکنند اینجا دیگر خیلی نروند سراغ این و آن، آن چیزهایی که در ادبیات ما آمده است خود مرحوم شهید مطهری خیلی به این چیزها استشهاد کرده اند، که من یادم نیست. از همان‌ها می‌توانید بیاورید و جمع کنید بین هم نظر ایشان، هم اصطلاح‌شناسی، یک چیز شسته رفته تهیه کنید برای مرحله اول به ما بدهید اما ما می‌خواهیم این اندیشکده یک اندیشکده جامعی باشد که همه را در بر بگیرد.

آقای دکتر آذربایجانی: حجم اش هم می‌شود محدود باشد هر کدام اش یک مقاله بین ۲۵ تا ۳۰ صفحه.

آقای دکتر شاکر نژاد: دو تا مقاله می‌شود یکی ترمولوژی معنویت در ادبیات ایرانی اسلامی یکی هم بحث معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی.

آقای دکتر آذربایجانی: پس دو تا مقاله شد یکی معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی. یک مقاله هم معنویت در ادبیات ایرانی اسلامی.

آقای دکتر میرمعزی: یک تحقیق انجام بدهند دو تا بخش داشته باشه بخش اول در ادبیات. بخش دوم معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی.

آقای شاکر نژاد: ما مبنا را خود واژه قرار می‌دهیم البته از واژه شروع می‌کنیم بحث می‌کنیم در رابطه با اینکه در چه معانی به کار رفته است.

آقای ساجدی نیا: من یک نکته ای را می‌خواستم بگویم که آقای دکتر میرمعزی فرمودند و آن این است که ما به فضای مرکز و اندیشکده توجه داشته باشیم که افق کجاست و کجا می‌خواهیم برویم. در این دستور العمل، هدف از تاسیس مرکز ذکر شده است. ما می‌خواهیم معنویت را در کار و در زندگی و در همه عرصه‌ها ببینیم و جامعه

مان را معنوی کنیم بحث اصلی این خواهد بود که اولاً معنویت چیست؟ و چگونه می‌شود جامعه و فضای کسب و کار را معنوی کرد.